https://doi.org/10.22034/2.3.5

سرمقاله

از احیاء تا پایداری

جهان با بحران‌های پیچیدهٔ اقلیمی، زیست‌محیطی، اجتماعی و تمدنی روبروست. حفاظت از منابع طبیعی، اکوسیستم‌ها و میراث فرهنگی جوامع به‌عنوان ارکان اساسی توسعهٔ پایدار، نه‌تنها به تقویت هویت ملی و ارزش‌های فرهنگی می‌پردازد، بلکه نقش محوری در پایداری زیست‌محیطی و مدیریت منابع تجدیدناپذیر ایفا می‌کند. این حفاظت طیف گسترده‌ای از عناصر، از جمله کوه‌ها، جنگل‌ها، دره‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، مزارع، بناهای تاریخی، محوطه‌های باستانی، مکان‌های عام‌المنفعه و میراث معاصر، میراث صنعتی و فضاهای سبز شهری و مناظر فرهنگی و غیره را در بر می‌گیرد. این عناصر به‌عنوان سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی، ضمن حفظ هویت تاریخی و فرهنگی جوامع، در توسعهٔ پایدار نیز نقش محرک داشته و منافع عمومی را تامین می‌کنند. ضرورت حفظ، مرمت و احیای مکان‌ها و مناظر تاریخی بر کسی پوشیده نیست؛ اما پرسش اصلی اینجاست که چرا اصول حفظ و احیای مکان‌های تاریخی به درون خودش محدود شده و به بیرون و به توسعه‌های معاصر تعمیم نیافته است؟ کوتاه شدن عمر بناهای جدید، منقضی‌شدن زودهنگام تاریخ مصرف بناهای نوساز، همراه با تخریب‌های بی‌رویهٔ ساختمان‌ها با طول عمر کم و زیاد، بار سنگینی بر محیط زیست تحمیل کرده است. به عبارت دیگر، تخریب ساختمان‌ها به معنای هدردادن منابع و انرژی‌های تجسدیافته و آغاز مجدد چرخهٔ استخراج منابع و مصرف انرژی است که در نهایت به تخریب بیشتر محیط زیست منجر خواهد شد. بنابراین، جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نه‌تنها نیازمند نگهداری، مرمت و حفاظت از میراث تاریخی و محیط مصنوع و طبیعی خود است بلکه ضرورت باز نگری در رویکردهای جاری معماری و شهرسازی و خانه‌سازی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است.

اکنون زمان آن فرا رسیده که اصول حفاظت، مرمت و احیا که در کنوانسیون‌های جهانی و منشورهای ملی و بین‌المللی انعکاس‌یافته، فراتر از حوزه‌های تخصصی میراث فرهنگی، به‌عنوان راهنمای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعهٔ پایدار، از جمله معماری، شهرسازی، محیط زیست، مسکن و آمایش سرزمین مورد توجه ویژه قرار گیرد. این اصول بر احترام به محیط زیست، بستر طبیعی و زمینهٔ فرهنگی و اجتماعی که اثر در آن شکل گرفته تأکید دارند، حداقل مداخله و حداکثری بهره‌وری در محیط را تشویق می‌کنند، بازگشت‌پذیری و قابلیت انعطاف‌پذیری طرح‌ها و تصمیمات را می‌طلبند، بر پایداری، انسجام و کل‌نگری پافشاری می‌کنند، بر اصالت، سادگی، خوانایی و استفاده از مصالح و فنون سازگار و بوم‌آورد اصرار، و بر احترام به ساختارها و تجربهٔ زیستهٔ گذشته برای بهره‌برداری نسل حال و آینده و بر تداوم و مدیریت تغییر و تأمین منافع عموم و موارد بسیاری دیگر از این دست تأکید می‌ورزند. با اجرایی‌شدن چنین اصولی، می‌توان به تعادلی پایدار بین نیازهای نسل حاضر و آیندگان دست یافت، از هدر رفت منابع جلوگیری کرده و به حفظ هویت فرهنگی، محیط زیست و توسعهٔ پایدار امیدوار بود.

انتظار می‌رود مسئولین به مسئلهٔ حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی و نقش آن در توسعهٔ پایدار، نه‌تنها به‌عنوان یک مسئولیت مدنی بلکه یک ضرورت استراتژیک بنگرند و با اتخاذ سیاست‌های مناسب، از میراث فرهنگی، تاریخی و طبیعی کشور پاسداری کنند. تدوین قوانین و مقررات، تخصیص بودجه‌های کافی برای مرمت و نگهداری مکان‌ها و مناظر تاریخی، معاصر و دارایی‌هایی که با کاهش عملکرد و بهره‌وری مواجه هستند، افزایش آگاهی عمومی و مشارکت مردم در حفاظت از میراث و محیط‌های طبیعی و انسانی از جمله اقداماتی است که می‌توان در زمینه به سرانجام رساند.

عیسی اسفنجاری کناری
عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان
e.esfanjariaui.ac.ir

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
اسفنجاری کناری، عیسی. (۱۴۰۳). از احیاء تا پایداری. مکتب *احیاء*، ۲(۳)، ۵.

DOI: https://doi.org/10.22034/2.3.5
URL: https://jors-sj.com/article-1-44-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-08]
[DOI: 10.22034/2.3.5]